

سیری پیرامون پیدایش نگارگری در
سرزمینهای اسلامی

فرازمین اسلام



در شکوفائی هنر نگارگری

نوشته سید کمال حاج سیدجوادی

در شماره‌های گذشته اشاره شد که هنر اسلامی در اسلام با هنر سخنوری، هنر معماری و هنر خوشنویسی آغاز میشود. اینک برآنیم تا مختصری پیرامون پیدایش هنر نگارگری و هنر تجسمی در اسلام گفتگوی کوتاهی داشته باشیم.

هنگامیکه پیام توحید توسط پیامبر اسلام در شبه جزیرهٔ عربستان پیچید دو امپراطوری بزرگ با تمدنی وسیع در همسایگی آن حضور فعال داشتند: امپراطوری ساسانی و امپراطوری رُم. پیامبر اسلام با ارسال

رسولانی پیام آسمانی دین جدید را به این دو امپراطوری و دیگر همسایگان ابلاغ نمود و طولی نکشید جنگهای آزادیبخش اسلامی در سرزمینهای مجاور آغاز گردید که شروع آن از فلسطین بود. در سال ۱۴ هجری سوریه فتح شد، عراق در سال ۱۵ هجری، مصر در همان سال و ایران در سال ۲۰ هجری و دامنهٔ فتوحات اسلامی در شرق و غرب ادامه پیدا میکرد بطوریکه در



شکل (۱)

کمتر از نیم قرن نمی از سرزمینهای آنروز به زیر پرچم توحید درآمد.

نقاشی و پیکرتراشی هم که در زمان جاهلیت عرب بمشابه ابزاری در دست قدرتمندان جهت تحمیق خلائق بکار برده می شد و بعنوان «بُت» رواج داشت شدیداً تحریم شده بود و هر اثری که به گونه ای در ارتباط با شرک مردم بکار گرفته می شد تخریب و نابود می گشت. خود پیامبر در فتح مکه به علی (ع) فرمان داد که به بام کعبه رود و هر آنچه که بت بود پائین بیندازد و تخریب

کند و خود نیز نظارت کامل داشت. علی (ع) با کمک پیامبر این عمل را انجام داد تا اثری از جاهلیت و شرک وجود نداشته باشد. زیست ساده پیامبر الگوئی بود برای اصحاب و مسلمانان که از شبه جزیره پای بیرون نگذاشته بودند و به زندگی ساده بدوی خود که بدون آرایش و پیرایش شهری بود می پرداختند. مردم در آن روزگار به هنر اصیلی پرداخته بودند که هنر انسانسازی بود، تا اینکه بعد از مرگ پیامبر و در زمان عثمان که سیل ثروت به پایتخت اسلامی سرازیر میشود توسط دوستان و همفکران واقوامش که



شکل (۱۲)

تجسمی زینده این در بارهای پر از ملاء و مُترف نیز متولد میشود، با تولدی حرام که آثار آنرا در قصرهای باقیمانده دوران امویان در وادی شام بخوبی می توان شناخت. از جمله کاخ «عمرا» کاخ «المُشتی»، کاخ «خربة المفجر» و کاخ «الظوبه» و یکی از کاخهای اموی که در طول گذشت زمان آثار حمام آن اینک سر پا است و به حمام «صرخ» معروف است در این آثار التقاط و تلفیقی از هنر در بارهای ساسانی،

عموماً از امویان بودند تقسیم میگردد، تا اینکه سرانجام خلافت را امویان در اختیار میگیرند و معاویه بعنوان خلیفه مسلمانان و امیر مؤمنان در دمشق کاخ می سازد و زندگی شاهانه را شروع میکند. در آن زمان دمشق که پایتخت و مرکز خلافت است مرکزی می شود برای رقابتهای درباری، با دربارهای گذشته پادشاهان ایران و امپراطوران رُم و قبطیان مصر. البته تقلیدی بدوی و کور از اکاسره و قیصره! و اینست که هنرهای



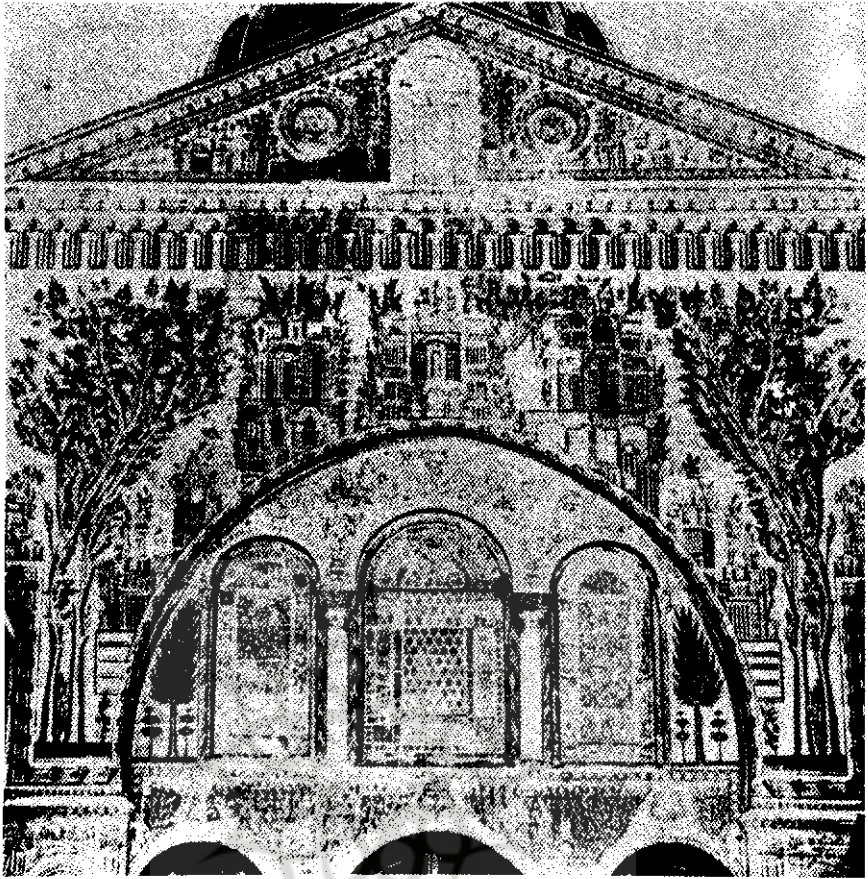
شکل (۳)



شکار (۱)



شکار (۲)



بیزانس، هلینیستی و قبطی را می‌توان بخوبی مشاهده کرد. شکل (۴۳)

نقاشیهای قصر «عمرا» که عبارت است از تصاویری از خلیفه اموی که شاید ولید بن عبدالملک باشد و نیز نقاشی رسوم فلکی و تصاویر انسانی در زیر گنبدها و پوشش دیوارهای آن در قصر «المشقی» علاوه بر تزئینات گل و برگ و نباتی، نقش برجسته‌هایی از تصاویر حیوانات و موجودات اساطیری است که در هنر تجسمی ایران پیش از اسلام، بویژه در هنر هخامنشیان بچشم می‌خورد.

(شکل ۵)

در قصر معروف به «خریبه المفسجر» حتی

مجسمه‌های انسانی وزن نیز بکار برده شده است که در (شکل ۱ و ۲) می‌توان آنرا مشاهده نمود. از نوع التقاط هنری در بناهای مذهبی تحول یافته آن دوره هم بچشم می‌خورد. اینکه گفته میشود تحول یافته، منظور بناهایی است که قبلاً آباد بوده و بعد از گرایش مردم به اسلام تبدیل به بنای دیگری شده. بارزترین این نوع بناها مسجد اموی دمشق است که قبلاً کلیسای مسیحیان بوده که توسط امویان تبدیل به مسجد گردیده است.

در زمان ولید بن عبدالملک بین سالهای ۸۸ و ۹۶ هجری تغییرات و تعمیرات اساسی صورت پذیرفته و مسجد مذکور مرمت و بازسازی شده است.

۲۴۴

تزیینات این مسجد از ترکیب قطعات کوچک موزائیک^۱ گونه‌ای است که با رنگهای مختلف اشکالی را بوجود آورده است. بیشترین اشکال رسوم و مناظر طبیعی و معماری است. (شکل ۶) - اما تصاویری از انسان نیز دیده میشود که شاید مربوط به دوران قبل از تأسیس مسجد بوده است. توجه دربار اموی به این مسجد نشانگر طرز تفکر و بینش اسلامی آنان می باشد.

قبة الصخرة

قبة الصخرة بیت المقدس که توسط عبدالملک بن مروان در سال ۷۲ هجری بازسازی و تزیین شده است نیز از این لحاظ قابل بررسی است. همان موزائیک‌هایی که در بناهای بیزانس، رم و یونان فراوان بکار رفته، در این بنا مقدس که اولین قبله مسلمانان است نیز بچشم میخورد. اما مسلمانان هنرمند تحت تأثیر القائنات شاهان اموی قرار نگرفته و در آن هیچگونه طرحهای انسانی بکار برده نشده است. در کنار گسترش آنگونه هنر نگارگری یا تجسمی، بودند هنرمندانی که اسلام در بینش اعتقادی به آنان اجازه نمیداد که گرد حرام بگردند. آنان می کوشیدند که شکوفائی هنر خود را مطابق با فرامین اسلام و برخاسته از فطرت پاکشان انجام دهند.

این هنرمندان کم نبوده و در سراسر سرزمین

اسلام پراکنده بودند. اینان جهت تزیین و زیباسازی محیط و یا وسائل و ضروریات زندگی، مفروشات و منسوجات و آنچه که احتیاج به تزیین داشت، به عناصر و خطوط تزیینی هندسی و یا نباتی روی آوردند. عدم حرمت و یا حداقل عدم کراهت اینکار آنان را تشویق میکرد کوشش کنند تا اسلوب و روش جدید بوجود آورند. این بود که طی چندین سال با پشتکار و مداومت این هنرمندان فرزندی حلال از هنر تجسمی متولد شد و کم کم رشد کرد تا بعنوان یکی از عظیم‌ترین آثار هنری بشری پدیدار گردید.

استفاده از برگ درختان، گلها، گیاهان و یا انواع و اقسام شکلهای هندسی خطوط مستقیم و منحنی و ترکیب آنها بصورت مجزا و جمعی و یا تجریدی و خلاصه شده باعث پیدایش هنری شد که آنرا اصطلاحاً «آرابسک» می خوانند که شاید بتوان آنرا طرحهای اسلیمی خواند که البته در تقسیمات و محاسبات هندسی و یا در نوع خلاصه شده گیاهی و یا طبیعی آن دارای فلسفه خاصی است که در طول چند قرن توانسته است بیان هنری خود را با قدرت هرچه بیشتر ارائه نماید و در هر جا که مجال یافته در معماری، منسوجات، قالی بافی، سفالگری، فلزکاری، و... خودنمایی میکند.

این بحث پیرامون این رشته نیاز به مجال بیشتری دارد که در آینده دنبال خواهیم کرد.

(۱): اصطلاح عربی آن «فسیفساء» می باشد.

منابع و مأخذ بحث:

۱- العمارة فی صدر الإسلام - دکتر کمال الدین سامع
۲- هنر مسلمانی - الکساندر پاپا دو پولو